

تشکیل فرقه انحرافی در جمهوری آذربایجان با هدف مبارزه با تشیع اصیل

مدتی است فرقه انحرافی "مهدیچی‌لر" با حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی آذربایجان تشکیل شده است. فخرالدین رهبر این فرقه عنوان می‌کند که پیشرفت‌های علمی ایران مانع دل‌بستن شیعیان به امام زمان (عج) می‌شود

g/سرویس آذربایجان
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان

به گزارش خبرگزاری تسنیم، مذهب تشیع در سرزمین آذربایجان همزمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت و به صورت دین اکثریت مردم درآمد. اگرچه آمار دقیق در دسترس نیست اما در حال حاضر 75 تا 80 درصد از مسلمانان جمهوری آذربایجان و 70 تا 75 درصد از کل جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند. بین اقوام ساکن در آذربایجان آذری‌ها بیشترین سهم و تعداد را در جمعیت شیعه کشور دارند و بعد از آن تالش‌ها قرار دارند. لرگی‌ها، تاتارها، کردها و آوارها از دیگر اقوام مسلمان هستند که شیعیان بین آنها در قالب اقلیت وجود دارند.

اگرچه جمهوری آذربایجان پس از ایران دارای بیشترین ترکیب جمعیتی شیعه است، اما تاریخ پرفراز و نشیب این اراضی از زمان جدایی از ایران چنان وضعیتی را در این کشور به وجود آورده است که مردمان این دیار را با نام شیعیان فراموش شده می‌توان بازشناخت.

در دوره‌های گذشته شیعیان جمهوری آذربایجان در برابر جریان‌های تضعیف‌کننده، اعتقادات مذهبی خود را حفظ نمودند. یکی از این جریان‌ها نفوذ و تأثیر امپراتوری عثمانی بود که به منزله مدافع مذهب تسنن در برخی دوره‌ها به شکل جنگ‌های مسلحانه رودرروی شیعیان ایران و سرزمین کنونی جمهوری آذربایجان قرار می‌گرفت. جریان دوم حاکمیت امپراتوری تزار روسیه بود که پس از جدا شدن آذربایجان از ایران در پی گسترش و تسلط دین مسیحیت (ارتدوکس شرقی) در این دیار بود. جریان سوم به عکس دو جریان اول ماهیت ضددینی داشت.

این جریان تسلط ایدئولوژی کمونیسم در آذربایجان بود که در پی استحاله کامل و همه‌جانبه‌ای اقوام ساکن در شوروی برآمد. در فرآیند آسمیلاسیون و استحاله شهروندان شوروی، هویت دینی آنها بیش از سایر خصیصه‌ها صدمه دید. زیرا ایده کمونیسم - لنینیسم دین را افیون توده‌ها می‌دانست و درصدد محو تعلقات دینی همه شهروندان (اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی و ...) بود. بین جریان‌های ضدشیعی یادشده، دو جریان اول نتوانستند صدمه اساسی بر شیعه‌گری آذربایجان وارد نمایند و منشأ تغییر و تحول نبودند. تلاش‌های امپراتوری عثمانی محدود به مذهب در حاشیه اهل سنت گردید که همواره در سایه مذهب شیعه قرار داشت. سلطه‌گری سیاسی و قومی - دینی تزاریسم نیز نتوانست محدودیت آن چنانی برای اعتقادات شیعی ایجاد کند و یا ارتدوکس مسیحی را بر مذهب شیعه حاکم سازد.

به عکس جریان‌های ضدشیعی قبلی، جریان کمونیستی با رویکرد آتئیستی توانست صدمات جبران‌ناپذیری بر موجودیت شیعیان آذربایجان وارد نماید.

آخرین موج حرکت‌های ضدشیعی و اسلامی حکومت آذربایجان در دو سال گذشته بود

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اگرچه ارتباط شیعیان آذربایجان با ایران دوباره برقرار شد اما اقدامات ضدایرانی و ضدشیعی حکومت آذربایجان و نیز حمایت‌های دولتی از معاندان ایران و تشیع وضعیت بدی را برای متدینین ایجاد کرد. آخرین موج حرکت‌های ضدشیعی و اسلامی حکومت آذربایجان در دو سال گذشته بود که طی آن بیش از صد نفر از سران حرکت‌های شیعی دستگیر شده، و چهره‌های برجسته این جریان به محکومیت‌های بیش از 10 سال حبس محکوم شدند و دو نفر از سران جریان در زندان به طرز مشکوکی فوت کردند.

مشاهدات میدانی از جامعه آذربایجان حاکی از آن است که دولت باکو علاوه بر افزایش فشارهای بیرونی بر شیعیان این کشور، ایجاد و ترویج فرقه‌های انحرافی را نیز در دستور کار خود قرار داده است.

اگرچه این روش بیشتر با محوریت حمایت از غیر شیعه‌مذهبان در امور تحصیلی و اجتماعی انجام می‌گرفت اما اکنون صورت جدیدی برای خود یافته است.

در برابر 300 طلبه‌ای که پس از گشوده شدن مرزها برای انجام تحصیلات دینی عازم ایران شدند، ترکیه بیش از 3 هزار جوان سنی مذهب را برای انجام تحصیلات دینی به استانبول دعوت کرد. این دو گروه چند سال بعد در حالی به میهن خود بازگشتند که گروه نخست تحت تدابیر شدید امنیتی و فشارهای روانی از جانب حکومت بودند و گروه دوم در اولویت برای دریافت تمام امکانات فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گرفتند.

بازرترین نمونه حمایت از فرقه‌های انحرافی در این سرزمین شیعه‌نشین، حمایت حکومت از گروهی جدیدالتأسیس است که با نام "مهدیچی‌لر" شناخته می‌شوند. اگرچه پیروان این فرقه نسبت به این نام حساس بوده و از این که با نام جدیدی شناخته شوند ابا دارند، اما مشهورترین عنوان برای این فرقه همین نام "مهدیچی‌لر" است.

این گروه تحت رهبری فردی که با نام "فخرالدین" شناخته می‌شود و ساکن یکی از روستاهای اطراف باکو است، تأسیس شده است. بعضی از متدینین رابطه او را با سیستم‌های اطلاعاتی دولت آذربایجان مسئله‌ای بدیهی به حساب می‌آورند.

نخستین ویژگی مهدیچی‌لر غلو بسیار آنان در مورد امام زمان (عج) است. آنان با اقرار به امام زمان (عج) در اذان و اقامه شروع کرده و امروزه به انتساب صفات خاص الهی به امام زمان (عج) رسیده‌اند.

آنها در ابتدا تنها قائل بر این نکته بودند که در هر زمان بیعت و تجدید عهد با امام آن عصر نیاز است و ما باید به ولایت و امامت امام زمان تأکید کنیم، برای همین لازم است تا در اذان و اقامه به جای شهادت به ولایت امام علی(ع) به ولایت و امامت امام زمان(عج) تأکید نماییم. برای همین هم، آنها به جای عبارت "أشهد أن علیاً ولی الله"، عبارت "أشهد ان مهدیا حجت الله" را جایگزین کردند. در واقع آنها قائل‌اند که دوره امامت امام علی(ع) به اتمام رسیده است و دیگر نیازی به مطرح کردن این مسئله در اذان و اقامه و سایر عرصه‌ها وجود ندارد.

پس از این اعتقاد و روی آوردن افرادی به این اندیشه، فخرالدین اندیشه‌های جدیدی را در مورد امام زمان(ع) مطرح کرد. او در تبلیغات خود ادعا کرد که "این امام زمان(عج) است که زمین و آسمان را آفریده، ایشان هیچ‌گاه از مادر زاده نشده بلکه همواره زنده بوده و خواهد بود، همو بوده است که با حضرت موسی در کوه طور تکلم کرد، این نور امام زمان بود که در طور تجلی کرد و موسی بی‌هوش شد اما موسی فکر می‌کرد این نور خداوند است، این امام زمان است که قرآن کریم را به نبی مکرم اسلام نازل کرده است".

فخرالدین و همفکرانش علاوه بر مسائل نظری در جست‌وجوی راه حل‌هایی برای نزدیک تر ساختن قیام امام زمان نیز بوده‌اند. به نظر آنان اصلی‌ترین دلیل عدم ظهور امام زمان(عج) اقداماتی است که روحانیون ایرانی در این کشور انجام می‌دهند. در نظر مهدیچی‌لر "امام زمان با شمشیر و اسب قیام خواهد کرد و پیشرفت‌های علمی و موشکی ایران باعث می‌شود تا شیعیان به جای دل‌در گروی شمشیر امام زمان(عج) داشتن به پیشرفت‌های علمی و صنعتی ایران دل‌بندند و این باعث تأخیر ظهور ایشان می‌گردد".

این بهانه سبب شده است تا مهدیچی‌لر خود را در انجام هرگونه اهانت به رهبران انقلاب‌های منطقه به عنوان اصلی‌ترین موانع ظهور! و نیز تمام مراجع شیعه در ایران و نجف که با نهضت‌های انقلابی و ضدآمریکایی همکاری داشته و یا حمایت کرده‌اند، محق بدانند. آنان با فحاشی‌های رکیک علیه مراجع قم و نجف آنان را سبب انحراف مردم از دولت مهدوی و دل‌بستن به حکومت ایران می‌دانند. و البته مؤمنین انقلابی و روحانیون آذربایجانی تحصیل کرده در قم نیز از اتهامات و فحاشی‌های آنان در امان نیستند. این در حالی است که این گروه در برابر ممنوعیت‌هایی که علیه ساخت مساجد، تشکیل اجتماعات مذهبی، و نهایتاً حجاب در این کشور اتفاق افتاد هیچ اعتراضی نکرده، مؤمنین پاک‌باخته و غیور را به جاسوسی برای ایران و وطن فروشی متهم کردند.

مهدیچی لر معترضین به قانون منع حجاب در مدارس را به جاسوسی و وطن فروشی متهم کردند.

اگرچه پیروان این اندیشه در حال حاضر از کمیت آماري نگران کننده ای برخوردار نیستند اما نوع اندیشه و اقدامات آنها نسبت به هتاکي به علما، عرفا، مراجع و تمام روحانیون شیعه خوف ایجاد چنین فرهنگی را در فضای خام فکری جمهوری آذربایجان ایجاد می کند.

اصلی ترین پیروان فخرالدین در ابتدا هم روستائیان او بودند اما بعدها با حمایت هایی که از او شد او اکنون در لنکران، ماسالی، باکو و روستاهای اطراف آن نیز که اصلی ترین مناطق شیعه نشین آذربایجان هستند، طرفدار دارد. تعداد قابل توجهی از شیعیان آذری الاصل مقیم روسیه نیز از جمله پیروان او هستند.

"فرامرز ج." یک جوان شیعه که ساکن یکی از روستاهای لنکران است و در برابر فعالیت های این فرقه در روستایشان مقاومت می کند، در جواب به پرسش خبرنگار تسنیم که از او در مورد چگونگی فعالیت علیه آنان پرسیده، می گوید: عملاً هیچ امکان فعالیت علیه آنان وجود ندارد. 100 درصد رادیکال هستند، و همدیگر را از هر نوع گفت و گو با سایر شیعیان که پیرو مکتب اهل بیت (ع) هستند، منع می کنند.

او در پاسخ به این سؤال که می شود آنها را وهابیت شیعی نامید، در حالی که آهی می کشد، می گوید: "شاید، ولی آنها از وهابی ها هم تندتر هستند. وهابی هرچه باشد یکی دو آیه قرآن می خواند و تو هم این امکان را داری که در مقابلش با قرآن یا احادیثی که خودش قبول کرده استدلال کنی، برای همین هم وهابی ها در محیط های شیعی رشد چندانی ندارند، اما اینها همگی بی سوادند، به هیچ وجه امکان حرف زدن را هم به انسان نمی دهند. نه به آیه ای استدلال می کنند، نه به حدیثی استناد دارند، نه کتابی و نه منطق مشخصی برای حرف های خودشان دارند، برای همین خصوصاً در جمع های گروهی شان شدت بیشتری نسبت به مخالفان شان دارند".

"مهدی م." هم که اواخر سنین جوانی را می گذراند، و چند سالی هم در قم تحصیل کرده و هم اکنون ساکن باکو است، می گوید: "یک بار به آن ها که داشتند رهبران برخی کشورها و سایر مراجع را دشنام می دادند گفتم خوب اگر ایران موشک نداشته باشد، که آمریکا و اسرائیل در چند روز نابودش می کنند، بعد از آن چه فایده ای دارد که آقا بیاید؟ دیگر شیعه باقی نمانده، در حالی که کم مانده بود مرا هم مورد ضرب و شتم قرار دهند، گفتند: تو جاسوس اطلاعات ایران هستی و مرا از آنجا بیرون کردند".

به نظر می رسد آنها با توجه به اطمینانی که از حمایت حکومت نسبت به خود دارند، از گفتن هیچ حرف و هیچ اقدامی ابا ندارند. در واقع مهمترین اقدام فخرالدین برای حفظ پیروان خود تبدیل یک بحث اعتقادی فکری به بحثی تعصبی است تا با توجه به خصوصیات روانی بخشی از هواداران بومی خود در جمهوری آذربایجان، حمایت های پیروان خود را از دست ندهد.